



A Semantic Analysis of the Lexical Network of “Deferral and Respite” in the Qur’ān with Emphasis on Conceptual Distinctions

Sakineh akhoond^{a*}

^a Assistant Professor, Department of Quranic Sciences, Faculty of Humanities, Quranic Sciences University, Qom, Iran, Email (s.akhoond@yahoo.com)

KEYWORDS

Qur’ān;
Structural Semantics;
Deferral and Respite;
Ta’khīr;
Imhāl;
Lexical Network

ABSTRACT

Semantics, as a central discipline in linguistic studies, investigates the systematic organization of meaning and the network of relationships that link lexical items within a conceptual system. In Qur’ānic studies, semantic analysis can illuminate the subtle rhetorical precision and conceptual coherence that characterize the Qur’ānic discourse. This study seeks to map the semantic network of the Qur’ānic concepts of “deferral and respite” by examining eight key lexemes: irtiqāb, irjā’, imlā’, imhāl, ta’khīr, ruwayd, nasa’, and nazar. The central research problem concerns the semantic coherence of these terms and the fine conceptual distinctions through which the Qur’ān expresses the divine pattern (sunnah ilāhiyyah) of postponement and reprieve. Employing a descriptive analytical method within the framework of structural semantics, the study conducts componential analysis and investigates syntagmatic relations (co occurrence patterns) as well as semantic oppositions among the selected lexemes. The findings indicate that although all eight terms belong to a shared semantic field centered on the notion of postponement, each lexeme contains distinctive semantic components that highlight a particular dimension of the divine pattern of deferral. Within this lexical network, ta’khīr functions as the central semantic node, while the remaining terms cluster around four principal dimensions: expectation, temporal duration, manner or quality of action, and purpose or outcome. The analysis also identifies significant semantic oppositions, most notably the contrast between imlā’—a reprieve associated with the process of istidrāj (gradual entrapment leading to ruin)—and imhāl, which denotes a merciful reprieve that grants opportunity and respite. Overall, the results demonstrate that the Qur’ān employs each of these lexemes with remarkable contextual precision, and that the coherent network formed by these terms reflects an aspect of the rhetorical inimitability and semantic depth of Qur’ānic discourse.

تحلیل معناشناختی شبکه واژگانی «تعویق و مهلت» در قرآن کریم باتکیه بر تمایزهای مفهومی

سکینه آخوند الف*

الف استادبار، گروه علوم قرآن، دانشکده، علوم انسانی دانشگاه علوم معارف قرآن، قم، ایران، ایمیل (s.akhoond@yahoo.com)

چکیده	واژگان کلیدی
معناشناسی به عنوان شاخه‌ای کلیدی در مطالعات زبانی، به تحلیل نظام‌مند مفاهیم و شبکه‌های روابط میان واژگان می‌پردازد و با واکاوی ارتباط آن‌ها در یک منظومه فکری، به درکی عمیق‌تر از دلالت‌های متون دست می‌یابد. در حوزه مطالعات قرآنی، این رویکرد می‌تواند ظرافت‌های بیانی و ساختار منسجم مفاهیم در قرآن را آشکار سازد. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف ترسیم شبکه معنایی مفاهیم «تعویق و مهلت» در قرآن کریم، به مطالعه هشت واژه کلیدی (ارتقاب، إرجاء، إملاء، إمهال، تأخیر، رُويد، نَسأ و نَظَر) می‌پردازد. مسئله اصلی این تحقیق، واکاوی انسجام معنایی و تمایزهای ظریف این مصطلحات در بیان سنت الهی «تعویق» است. این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب معناشناسی ساختگرا، از طریق تحلیل مؤلفه‌های معنایی و بررسی روابط هم‌نمودی و تقابل‌های معنایی میان واژگان صورت پذیرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه تمامی این واژگان در دایره معنایی واحدی با محوریت مفهوم «به تأخیر انداختن» قرار می‌گیرند، اما هر یک با دارا بودن مؤلفه‌های معنایی خاص، زاویه‌ای دقیق و متمایز از سنت الهی «تعویق و مهلت» را بازتاب می‌دهند. در این شبکه، «تأخیر» به عنوان هسته مرکزی عمل می‌کند و سایر واژگان در چهار خوشه اصلی «انتظار»، «مدت زمان»، «کیفیت عمل» و «هدف و نتیجه» دسته‌بندی می‌شوند. همچنین تقابل‌های معنایی بارزی مانند تقابل میان «إملاء» (مهلت استدراجی و همراه با اغوا) با «إمهال» (مهلت رحمانی و فرصت‌بخش) شناسایی شده است. این پژوهش در نهایت مؤید آن است که قرآن کریم با دقتی کم‌نظیر، هر یک از این مصطلحات را در بافت و موقعیت مناسب خود به کار برده و شبکه منسجم حاصل از این واژگان، جلوه‌ای از اعجاز بیانی و نظم عمیق معنایی قرآن کریم را نمایان می‌سازد.	قرآن کریم، معناشناختی، تعویق و مهلت، تأخیر، امهال. تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

تحليل المعنى الشبكي للمفردات الدلالية «التأجيل والمهلة» في القرآن الكريم بالاستناد إلى الفوارق المفهومية

سكينه آخوندالف*

أستاذ مساعد، قسم العلوم القرآنية، كلية العلوم الإنسانية، جامعة العلوم القرآنية، قم، إيران، البريد الإلكتروني (s.akhoond@yahoo.com)

الكلمات المفتاحية:	الملخص
القرآن الكريم، الدلالات المعنوية، تعويق، تأخير، إمهال، تاريخ الاستلام: ١٤٠٤/٠٩/٣٠ تاريخ المراجعة: ١٤٠٤/١١/١١ تاريخ القبول: ١٤٠٤/١٢/٠١	يهدف هذا البحث إلى توضيح الشبكة الدلالية لمفاهيم «التأجيل والمهلة» في القرآن الكريم، فيدرس ثمانية كلمات مفتاحية هي: ارتقاب، إرجاء، إملاء، إمهال، تأخير، رويد، نَسأ ونَظَر. المسألة الأساسية هي فحص التماسك الدلالي والفروق الدقيقة لهذه المفردات في بيان السنة الإلهية «التأجيل». استخدم البحث منهجاً وصفيّاً تحليلياً وإطار دلالي بنيوي/بناء-غائي، من خلال تحليل المكونات ومبحث علاقة التماثل والتضاد الدلالي بين المفردات. تشير النتائج إلى أنه رغم أن جميع هذه المفردات تقع ضمن دائرة دلالية مشتركة، إلا أن لكل منها مركبات دلالية فريدة، وتصورات دقيقة ومتمايزة من السنة الإلهية «التأجيل والمهلة». فـ«التأخير» يمثل النواة المركزية للشبكة، وتندرج الكلمات الأخرى في أربع مجموعات: «الانتظار»، «المدة الزمنية»، «جودة الفعل» و«الهدف والنتيجة». كما كُشِفَ عن تضادات دلالية مثل تضاد «إملاء» (مهلة استدرجية) مع «إمهال» (مهلة رحمانية). وفي النهاية يظهر البحث أن القرآن الكريم باستعماله الدقيق للمصطلحات في أنساقها الملائمة يقدم شبكة متماسكة تعكس عظمة البيان الإعجازي للقرآن.

۱- مقدمه

مطالعات معناشناسی به عنوان شاخه‌ای بنیادین در حوزه زبان‌شناسی، رویکردی نظام‌مند را برای تحلیل لایه‌های پنهان معنا در متون فراهم می‌آورد. در این میان، معناشناسی واژگانی با تمرکز بر شبکه‌های مفهومی و میدان‌های معنایی، ابزاری سودمند برای واکاوی رابطه‌های درونی واژگان و درک بهتر گزینش‌های زبانی در متون دینی، به ویژه قرآن کریم، به شمار می‌رود. قرآن کریم با گزینش واژگانی دقیق و حساب شده، مفاهیم عمیق الهی را در قالب الفاظی متناسب و پرمعنا بیان کرده است؛ از این رو، بررسی معناشناختی این واژگان می‌تواند پرده از ظرافت‌های بیانی و نظام مند حاکم بر این کتاب آسمانی بردارد.

مقاله حاضر با تمرکز بر هشت واژه قرآنی «ارتقاب، إرجاء، إملاء، إمهال، تأخیر، رُويد، نَسأ و نَظَر» که همگی در حوزه معنایی «تعویق و مهلت» جای می‌گیرند، درصدد است تا با رویکردی توصیفی-تحلیلی و در چارچوب معناشناسی ساختگرا، به بررسی مؤلفه‌های معنایی، روابط هم‌نمودی و تقابل‌های موجود میان این واژگان بپردازد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا این واژگان، که در نگاه نخست هم‌پوشانی معنایی دارند، در واقع دارای تمایزات معنایی نظام‌مند و دقیقی بوده و هر یک بار معنایی و حوزه کاربرد خاص خود را بازمی‌تابند؟ در این راستا، هدف اصلی پژوهش، ترسیم شبکه‌ای منسجم از روابط معنایی این واژگان و تعیین جایگاه هر یک در منظومه مفهومی «تعویق و مهلت» است. همچنین، واکاوی مؤلفه‌های معنایی هر واژه، شناسایی خوشه‌های معنایی و تبیین دلالت‌های تفسیری و تربیتی ناشی از این تمایزات از جمله اهداف فرعی این مطالعه به شمار می‌رود.

برای دستیابی به این اهداف، داده‌های پژوهش از منابع معتبر لغوی و تفسیری استخراج و با به کارگیری روش‌هایی همچون «تحلیل مؤلفه‌ای» برای تشریح اجزای تشکیل‌دهنده معنا، «تحلیل روابط هم‌نمودی» برای بررسی جایگاه واژگان در بافت آیات، و «تحلیل حوزه‌های معنایی» برای دسته‌بندی واژگان در خوشه‌های مرتبط، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این پژوهش در نهایت در پی آن است تا نشان دهد که قرآن کریم چگونه با دقتی شگفت‌انگیز، از واژگانی استفاده کرده که هر یک، با وجود اشتراک در معنای کلی، بیانگر جنبه‌ای خاص و دقیق از یک سنت الهی هستند و شناخت این ظرافت‌ها می‌تواند در تفسیر، ترجمه و تدبر در آیات قرآن کریم راهگشا باشد.

فرضیه اصلی این تحقیق آن است که واژگان این حوزه، اگرچه در دایره معنایی مشترکی قرار دارند، از نظامی منسجم، سلسله‌مراتبی و چندبعدی برخوردارند که در قالب یک شبکه معنایی با مؤلفه‌های مشخص و روابط تعریف‌شده قابل تبیین است. در نهایت، خروجی این تحقیق می‌تواند کاربردهای عملی در عرصه‌های تفسیر، ترجمه و تدبر در قرآن کریم داشته باشد.

۱-۱ پیشینه تحقیق

در منابع متقدم می‌توان به آثار لغویان بزرگی همچون راغب اصفهانی در «مفردات الفاظ القرآن»، ابن فارس در «معجم مقاییس اللغة»، و ابن منظور در «لسان العرب»، اشاره کرد که به تفصیل به ریشه‌یابی و تحلیل معنایی واژگان قرآنی پرداخته و معنای اولیه، استعارات و کاربردهای مختلف کلمات را در بافت عصر نزول بررسی کرده‌اند.

علاوه بر آن پژوهش‌های متعددی با استفاده از روش‌های نوین زبان‌شناسی، به طور خاص بر یک حوزه معنایی متمرکز شده به تحلیل شبکه معنایی برخی واژگان می‌پردازند.

- در مقاله «معناشناسی واژگان سنت مهلت‌دهی در قرآن کریم با تأکید بر تحلیل معنایی «املا» (عشریه، ۱۴۰۳) تمرکز اصلی بر واژه «املا» بوده و تمایز «املا» به عنوان سنت الهی را با واژگانی مانند «امهال، استدرج، انظار، اجل، تمتیع و ...» را بیان نموده است. این مقاله اگرچه عمیق است، اما تنها بر یک واژه محوری «املا» متمرکز شده و دامنه جامعی از تمامی واژگان «تعویق» و «مهلت» را پوشش نمی‌دهد.

- مقاله «بررسی سنت استدرج در قرآن و میراث تفسیری» (معموری، ۱۳۸۶) مطالعه معناشناختی مفهوم استدرج در قرآن را بررسی کرده، و آرا و دیدگاه دانشمندان مسلمان را درباره عوامل و فلسفه سنت استدرج مطرح می‌کند.

- مقاله «سنت‌های تربیت‌ساز در المیزان» (ضرابی، ۱۳۸۳) به بررسی مفهوم «استدرج» و دیگر سنت‌های الهی از منظر تفسیری و تربیتی پرداخته‌اند، اما تحلیل مقابله‌ای ساختاریافته‌ای برای تمایز دقیق مؤلفه‌های معنایی این واژگان در

کاربردهای قرآنی مختلف ارائه نداده‌اند.

مقاله «خوانشی تحلیلی - توصیفی بر سنت استدراج الهی با تاکید بر قرآن و روایات» (هانیه بلالی و عباس همای، ۱۴۰۲) سنت استدراج را در دو حوزه فردی و اجتماعی بررسی کرده؛ آن را معلول عواملی می‌داند که ارتباط زیادی با رفتار افراد جامعه دارند و شناخت آن عوامل را مانع نجات جامعه از نابودی و گرایش به معنویت و حرکت به سوی تمدن مطلوب می‌داند.

از این رو در پژوهش پیش‌رو با گسترش دامنه تحقیق به تمامی واژگان مرتبط با «تعویق» و «مهلت»، تصویر کامل‌تر و نظام‌مندتری از این حوزه معنایی مهم در قرآن ارائه شده که نه تنها خلأ موجود در پژوهش‌های مشابه را پر می‌کند، بلکه با استفاده از روش‌های معناشناسی نوین، شبکه روابط معنایی بین این واژگان را آشکار ساخته و تمایزات ظریف هر واژه را در بافت‌های مختلف قرآنی مشخص نماید.

۱-۲ نوآوری

نوآوری اصلی این پژوهش در ارائه نخستین نقشه جامع معناشناختی از حوزه مفهومی «تعویق و مهلت» در قرآن کریم تجلی یافته است. در این مطالعه، برای اولین بار هشت واژه به ظاهر مترادف (ارتقاب، إرجاء، إملاء، إمهال، تأخیر، رُؤید، نَسأ و نَظَر) در قالب یک شبکه منسجم و مبتنی بر روابط معنایی تحلیل شده‌اند. دستاورد نوین این تحقیق، شناسایی و طبقه‌بندی این واژگان در چهار گروه مفهومی متمایز شامل «حوزه انتظار»، «حوزه گستره زمانی»، «حوزه چگونگی عمل» و «حوزه غایت و پیامد» است.

مهم‌ترین یافته بدیع پژوهش، تعیین واژه «تأخیر» به عنوان هسته مرکزی و عام این شبکه است، در حالی که هر یک از واژگان دیگر با افزودن مؤلفه‌های معنایی ویژه‌ای مانند مراقبت، استدراج، رفق یا تعلیق، به پردازش و بسط همان مفهوم کلی می‌پردازند. کشف تقابل‌های معنایی نظام‌مند، از جمله تقابل «ارتقاب» (انتظار همراه با دلهره) با «نظر» (انتظار همراه با امید)، یا تقابل «رُؤید» (مهلت کوتاه) با «إملاء» (مهلت درازمدت)، از دیگر جنبه‌های نوآورانه این تحقیق به شمار می‌رود.

۱-۳ روش تحقیق

این پژوهش با هدف واکاوی شبکه معنایی واژگان مرتبط با «تعویق و مهلت» در قرآن کریم، از روش توصیفی-تحلیلی در چارچوب معناشناسی ساختگرا بهره می‌برد. روش کار مبتنی بر سه مرحله اصلی است: نخست، گردآوری داده‌ها از منابع معتبر لغوی و تفسیری؛ دوم، تحلیل داده‌ها با به کارگیری تکنیک‌های تحلیل مؤلفه‌ای، تحلیل تقابلی و تحلیل شبکه‌ای؛ و سوم، ترسیم نقشه معنایی.

گزینش هشت واژه کلیدی این پژوهش بر اساس روشی نظام‌مند و سه‌مرحله‌ای صورت گرفته است. در گام نخست، با رویکردی استقرایی و با مطالعه گسترده آیات قرآن کریم، ریشه‌های ثلاثی مجردی که در منابع معتبر لغوی همچون مانند مقاییس اللغه و لسان العرب دلالت بر معنای «به تأخیر انداختن»، «انتظار کشیدن» یا «مهلت دادن» داشتند، شناسایی و فهرست اولیه‌ای فراهم آمد. در گام دوم، این ریشه‌ها در منابع لغوی تخصصی‌تر از جمله التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» مصطفوی مورد اعتبارسنجی قرار گرفت تا اطمینان حاصل شود که دلالت بر «تعویق» از لوازم ذاتی یا معنای اصیل آن‌هاست، نه کاربرد حاشیه‌ای. سرانجام، در گام سوم و نهایی، کاربرد هر واژه در آیات قرآن و سپس تفسیر آن در تفاسیر معتبر تحلیل شد و تنها واژگانی برگزیده شدند که مفسران به صراحت، معنای آن‌ها را مرتبط با «تأخیر»، «امهال» یا «انتظار» دانسته‌اند.

۲- مفهوم شناسی

معناشناسی به عنوان شاخه‌ای از زبان‌شناسی، به مطالعه علمی معنا و بررسی رابطه بین نشانه‌های زبانی و مفاهیم ذهنی یا مصادیق خارجی آنها می‌پردازد. این دانش از مباحث فلسفی یونان باستان سرچشمه گرفته اما تحول نوین آن در قرن بیستم با رویکرد ساختارگرایی سوسور و سپس توسعه روش تحلیل مؤلفه‌ای توسط کاتز و فودور، و در ادامه با ظهور معناشناسی شناختی

لاکاف شکل گرفت (صفوی، ۱۳۹۷: ۴۵).

در روش‌شناسی تطبیقی معناشناسی، تمرکز اصلی بر تحلیل تقابلی مؤلفه‌های معنایی واژگان در بافت‌های مختلف زبانی است. این رویکرد با بهره‌گیری از چارچوب تحلیل مؤلفه‌ای، به استخراج ویژگی‌های معنایی مشترک و متمایزکننده می‌پردازد و از این طریق به ترسیم شبکه‌های معنایی در حوزه‌های مفهومی نائل می‌آید (پالمر، ۱۳۴۶: ۱۴۷). به بیان دقیق‌تر، در این روش روابط هم‌معنایی، تضاد و سلسله مراتب معنایی از طریق سنجش نظام‌مند واژگان و مقایسه دلالت‌های متقابل آنها تحلیل می‌شود.

تحلیل مؤلفه‌ای به عنوان پایه روش‌شناختی این حوزه، مبتنی بر تجزیه معنای واژگان به کوچکترین واحدهای معنادار است. این رویکرد امکان مقایسه عینی بین واژگان را فراهم ساخته و زمینه درک نظام حاکم بر گزینش واژگان در متون را ایجاد می‌کند (باقری، ۱۳۷۴: ۲۹۶). در حوزه مطالعات قرآنی، این روش کاربرد ویژه‌ای یافته است، چرا که ظرافت‌های تفاوت واژگان به ظاهر مترادف را - از طریق شناسایی مؤلفه‌های معنایی متمایزکننده - آشکار می‌سازد. معناشناسی به ما می‌آموزد که هیچ واژه‌ای به طور تصادفی انتخاب نمی‌شود. هر واژه در یک شبکه به هم‌پیوسته از معنا قرار دارد و درک این شبکه، کلید فهم عمیق‌تر هر متن به‌ویژه متون مقدسی مانند قرآن کریم است.

۳- تحلیل معناشناختی واژگان

در این فصل، هشت واژه‌ی منتخب بر اساس چارچوب معناشناسی ساختگرا و با تمرکز بر مؤلفه‌های معنایی، بافت، کاربرد و روابط هم‌نمودی آنها تحلیل می‌شوند. هدف، تبیین دامنه‌ی معنایی، بار ارزشی و جایگاه هر واژه در شبکه‌ی معنایی «تعویق و مهلت» است. این تحلیل معناشناختی با اتکا به داده‌های لغوی و تفسیری ارائه شده، به واکاوی ابعاد معنایی، مؤلفه‌ها و جایگاه این واژه در منظومه مفهومی قرآن می‌پردازد.

۳-۱ تحلیل معناشناختی واژه «ارتقاب» در قرآن کریم

واژه «ارتقاب» از ریشه «ر-ق-ب» است که بر اساس نظر اهل لغت، دلالت ذاتی بر «مراقبت، حفظ و نگهبانی» دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۲۷/۲؛ فراهیدی، ۱۴۱۴: ۷۰۱/۱). این معنای پایه در واژه‌های هم‌خانواده‌ای مانند «رقیب» (نگهبان) و «مراقبه» به وضوح نمایان است. بر این اساس، هسته اولیه معنایی این ریشه را می‌توان «استمرار در مشاهده و محافظت» دانست.

با تحلیل کاربردهای ریشه «ر-ق-ب» در منابع لغوی، گذر معنایی آن به «انتظار» به روشنی قابل ردیابی است. این گذر مبتنی بر ملازمه عقلی میان «مراقبت» و «انتظار» است؛ چرا که هر نگهبان یا مراقبی (رقیب)، برای انجام وظیفه خود، لزوماً در حالت انتظار رویدادها یا تحركات خاصی به سر می‌برد. این ارتباط معنایی در مثال‌های لغوی مانند «رَقَبْتُ الْفَجْرَ» (برای طلوع فجر انتظار کشیدم) به وضوح تجلی یافته است (ابن منظور، ۱۴۱۳: ۲۷۹/۵). از این رو، «ارتقاب» به عنوان یکی از اوزان این ریشه، «انتظار همراه با مراقبت و دقت» را می‌رساند. لازم «انتظار» برای یک امر، «تأخیر» آن است (فیومی، ۱۴۰۵: ۲۳۴). به تعبیر مصطفوی، این انتظار، نوعی «توقع حصول شیء» است که با دقت و توجه همراه است (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۶۸/۱۲).

با تلفیق داده‌های لغوی و تفسیری، می‌توان مؤلفه‌های معنایی زیر را برای «ارتقاب» برشمرد:

انتظار: پایه‌ای‌ترین عنصر معنایی؛ مراقبت و هوشیاری: وجه تمایز «ارتقاب» از واژه‌های عمومی‌تر مانند «انتظار»؛ دلهره و اضطراب: بار عاطفی معنای «ارتقاب» و تهدید: مؤلفه‌ای که در برخی بافت‌ها فعال و در برخی دیگر کمرنگ می‌شود.

کاربردهای قرآنی این واژه، مؤلفه‌های فوق را به روشنی نمایان می‌سازد. در آیه «وَأَرْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ» (هود: ۹۳) که سخن حضرت شعیب (ع) خطاب به قوم تکذیب‌کننده‌اش است، تمامی مؤلفه‌ها به صورت کامل فعال می‌شوند. از یک سو، قوم باید منتظر عاقبت کار خود باشند و از سوی دیگر، این انتظار، از جنس مراقبت برای دیدن نتایج اعمال است. در این بافت، بار تهدیدآمیز واژه به اوج خود می‌رسد؛ چرا که پیامبر خود نیز در مقام «رقیب» (مراقب و ناظر) قرار گرفته و عذاب الهی را منتظر است (طبرسی، بی‌تا: ۲۸۸/۵؛ قرطبی، ۱۴۱۳: ۵/۹).

در آیه «فَأَصْحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ» (قصص: ۱۸) که توصیف حال حضرت موسی (ع) پس از وقوع قتل است، شاهد

فعال‌سازی مؤلفه‌های متفاوتی هستیم. در اینجا، موسی(ع) در انتظار رویداد بعدی (دستگیری یا عکس‌العمل قوم فرعون) است و با ترس و احتیاط، مراقب اطراف خود می‌باشد (طبری، ۱۴۱۵: ۶۶/۱۲). مؤلفه «ترس» به صراحت در آیه ذکر شده، اما تهدید در اینجا جنبه بیرونی و دنیوی دارد و فاقد بار الهی است. بنابراین در شبکه معنایی تعویق و مهلت، واژه «ارتقاب» نماینده «انتظار فعال، همراه با مراقبت و دلهره» است.

۳-۲ تحلیل معناشناختی واژه «إرجاء» در قرآن کریم

واژه «إرجاء» که از ریشه «ر-ج-ی» مشتق شده، در منظومه معناشناسی قرآن کریم جایگاه ویژه‌ای دارد. این واژه در نگاه اول حامل دو معنای به ظاهر متباین «امید و آرزو» و «ناحیه‌ای از چاه یا غیر آن» است. بررسی منابع معتبر لغوی نشان می‌دهد که «إرجاء» با همزه، صراحتاً بر معنای تأخیر دلالت دارد. چنانچه در منابع لغوی آمده است: «أَرْجَأْتُ الشَّيْءَ» به معنای «آن کار را به تأخیر انداختم» به کار رفته است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۹۵-۴۹۶/۲؛ فیومی، ۱۴۰۵: ۲۲۱). این دلالت تا بدانجا پررنگ است که نام فرقه «مرجئه» - که معتقد بودند کیفر گناهان یا تا قیامت به تأخیر می‌افتد یا حکم درباره افراد تا آن زمان معلق می‌ماند - از همین ریشه اخذ شده است (ابن منظور، ۱۴۱۳: ۱۶۴/۵).

در تحلیل رابطه معنایی بین دو مفهوم «امید» و «تأخیر» باید گفت که امیدواری همواره مستلزم انتظار برای تحقق امری در آینده و نوعی «تأخیر ذهنی-زمانی» است. بر این اساس، هنگامی که کاری «إرجاء» می‌یابد، در حقیقت به زمانی دیگر موکول می‌شود که می‌تواند با امید به پیامدهای بهتر همراه باشد. با تلفیق داده‌های لغوی و تفسیری، مؤلفه‌های معنایی زیر برای این واژه قابل استخراج است: «به تعویق انداختن» که هسته اصلی معنایی را تشکیل می‌دهد؛ «تعویق و موقتی بودن» که بر بلا تکلیفی امر تأکید می‌ورزد؛ «امیدواری» که بار معنایی متغیر بر اساس بافت دارد و «نفی عجله» که نفی شتابزدگی در تصمیم‌گیری را می‌رساند.

در تحلیل بافت‌های قرآنی، در آیه ۱۱۱ سوره اعراف («قَالُوا أُرْجَاهُ وَأُخَاهُ»)، درخواست مشاوران فرعون برای به تأخیر انداختن فوری تصمیم درباره موسی(ع) و هارون(ع) مطرح است. در این بافت، مؤلفه [تعویق] به شدت فعال است، زیرا هدف به تعویق انداختن حکم فوری و موکول کردن آن به آینده است (زجاج، بی تا: ۳۶۵/۲). همچنین مؤلفه [امیدواری] به صورت ضمنی در پشت این درخواست - با هدف یافتن راه چاره - حضور دارد.

در مقابل، در آیه ۵۱ سوره احزاب «تُرْجَى مَنْ تَشَاءُ مِنْهُمْ وَتُوَوَّىٰ إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ» که درباره به تأخیر انداختن و تنظیم نوبت همسران پیامبر(ص) است، (طبری، ۱۴۱۵: ۱۲/۹)؛ مؤلفه‌های [تعویق] و [نفی عجله] پررنگ‌ترند. در اینجا «إرجاء» به معنای به تأخیر انداختن نوبت یک همسر و تقدیم دیگری است (طبری، بی تا: ۷۰۸/۳). بدون آنکه بار معنایی امیدواری نقش محوری داشته باشد در این کاربرد، بار معنایی امیدواری کم‌رنگ است و بیشتر بر «مدیریت زمان و تنظیم رابطه» متمرکز است.

بنابراین واژه «إرجاء» در شبکه معنایی تعویق و مهلت، نماینده «تعویق و به تعلیق درآوردن عمدی یک امر» است. این واژه از «ارتقاب» - که بار معنایی «مراقبت و دلهره» دارد - متمایز است و نشان می‌دهد قرآن کریم با دقتی واژگانی، از «إرجاء» برای بیان موقعیت‌هایی استفاده کرده که در آنها یک تصمیم، حکم یا نوبت، به صورت عمدی و موقت به تعویق افتاده و در حالت تعلیق قرار می‌گیرد.

۳-۳ تحلیل معناشناختی واژه «إملاء» در قرآن کریم

واژه «إملاء» از ریشه «م-ل-ی» مشتق شده که به معنای زمان طولانی یا وقت و زمان است. بر اساس نظر اهل لغت، «مَلَى» و «أَمْلَيْتُ» به معنای امهال، فرصت دادن و تأخیر انداختن است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۴۶/۵). این معنا در مثال کاربردی «أَمْلَيْتُ الْقَيْدَ لِلْبَعِيرِ» به خوبی نمایان است که معنای رها کردن شتر و برداشتن قید از پایش برای بهره‌مند شدن بیشتر از چراگاه مقصود است (ازهری، بی تا: ۴۰۵/۱۵). این مثال، به وضوح پیوند معنایی بین «تأخیر» و «توسعه و بهره‌مندی» را نشان می‌دهد. (زمخشری، بی تا: ۴۳۷) به تعبیر مصطفوی، واژه «إملاء» دلالت بر امهال و تأخیر دارد و توسعه و امتداد از مصادیق و لوازم آن است (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۷۶/۱۱).

در تحلیل بافت کاربردی، آیه ۱۷۸ سوره آل عمران «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا» بارزترین نمونه کاربرد «إملاء» در قرآن است. مفسران «نملى» را به معنای مهلت دادن، طولانی کردن عمر و تأخیر انداختن در اجل دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۵: ۱۲۳/۴؛ فخر رازی، ۱۴۱۳: ۴۳۹/۹). کافران در این مدت طولانی از اموال، سلامت و نعمت‌های دنیوی برخوردار می‌شوند که نشان از مؤلفه توسعه و بهره‌مندی دارد. با این حال، این توسعه ظاهری در واقع ماده اولیه برای فریب است؛ چرا که کافران گمان می‌کنند این تأخیر نشانه رضایت خداوند است «خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ»، در حالی که هدف واقعی، افزایش گناه و در نتیجه تشدید عذاب آنان است («لِيَزْدَادُوا إِثْمًا»). (صادقی، ۱۴۰۶: ۹۸/۶) اینجاست که مؤلفه فریبندگی و استدراج به نقطه اوج معناشناختی خود می‌رسد. همچنین، فاعل فعل «نملى» خود خداوند است که بر حکمت آفرینش و مجازات دلالت دارد. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۳، ص ۲۱۶؛ طبرسی، بی تا: ۸۹۳/۱).

با تلفیق داده‌های لغوی و تفسیری، می‌توان مؤلفه‌های معنایی زیر را برای «إملاء» برشمرد: مؤلفه «تأخیر طولانی‌مدت» که هسته اصلی معنایی را تشکیل می‌دهد و بر امتداد زمانی قابل توجه تأکید دارد؛ مؤلفه «توسعه و بهره‌مندی» که بر فراهم آوردن مجال برای برخورداری از نعمت یا فرصت دلالت می‌کند؛ مؤلفه «فریبندگی و استدراج» که بار منفی و هشداردهنده در بافت کیفر کافران را می‌رساند؛ و مؤلفه «الهی» که اشاره به این دارد که فاعل این عمل معمولاً خداوند است.

هم چنین در آیه شریفه «وَلَقَدْ اسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ» (رعد: ۱۳)، تقابل معنایی بین «إملاء» و «أخذ» بیانگر مهلت طولانی و بهره‌مندی کفار قبل از گرفتن و مجازات ناگهانی می‌باشد. در این آیه آزاد گذاشتن کافران برای اینکه هر کاری کنند، به رها کردن عنان حیوانات تشبیه شده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۹۱/۳)؛ که مؤلفه معنایی رها نمودن و آزاد گذاشتن را در معنای «إملاء» تأیید می‌کند. این رهاسازی، در حقیقت بستر «استدراج» را فراهم می‌سازد.

«إملاء» در این آیه، تنها به معنای مهلت دادن نیست، بلکه ترکیبی از «مهلت طولانی، بهره‌مندی ظاهری و استدراج» است که نقطه اوج آن، «أخذ» ناگهانی و عذاب سخت می‌باشد. این تقابل، «إملاء» را در نقطه مقابل «إمهال» قرار می‌دهد؛ چرا که «إملاء» اگرچه ظاهری از مهلت دارد، اما در باطن حاوی استدراج و عذابی شدیدتر است. تمایز اصلی «إملاء» با دیگر واژگان این شبکه، در ترکیب سه مؤلفه «طول زمان، توسعه نعمت و هدف استدراجی» است. این واژه، یکی از پیچیده‌ترین و هشداردهنده‌ترین مفاهیم قرآنی را تشکیل می‌دهد که بیانگر یکی از سنت‌های الهی در آزمون انسان‌ها و مجازات گنهکاران است.

۳-۴ تحلیل معناشناختی واژه «إمهال» در قرآن کریم

واژه «إمهال» از ریشه «م-ه-ل» مشتق شده که دلالت ذاتی بر رفق و مدارا، آهستگی و عجله نکردن دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۸۲/۵؛ فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۷۳۴/۳). این معنای پایه در کاربردهای لغوی به وضوح نمایان است، اهل لغت، «مَهْل» و «أَمَهْل» را به معنای رفق و مدارا کردن با دیگری، فرصت دادن، عجله نکردن و پیشی گرفتن از دیگری در سن یا ادب دانسته‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۳: ۲۰۹/۱۳-۲۱۱؛ فیومی، ۱۴۰۵: ۵۸۳). چنانچه «أَمَهْلَهُ اللَّهُ» به معنای «خدا به او مهلت داد و در عذابش عجله نکرد» به کار رفته است. (ازهری، بی تا: ۳۲۱/۶؛ زمخشری، بی تا: ۴۳۸)

با تلفیق داده‌های لغوی می‌توان مؤلفه‌های معنایی زیر را برای «إمهال» برشمرد: مؤلفه «مهلت دادن» هسته اصلی معنایی را تشکیل می‌دهد؛ مؤلفه «رفق و مدارا» وجه تمایز «إمهال» از دیگر واژگان تعویق است؛ مؤلفه «عجله نکردن» نفی شتابزدگی در عمل یا حکم را می‌رساند؛ مؤلفه «تدریج» که تأکید بر انجام کار به صورت مرحله‌ای دارد.

در تحلیل بافت‌های کاربردی، آیات ۱۱ سوره مزمل «وَدَّرْنِي وَالْمُكَدِّبِينَ أُولَى النَّعْمَةِ وَمَهَلْهُمْ قَلِيلًا» و ۱۷ سوره طارق «فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَمَهْلُهُمْ رُؤُودًا» که خطاب به پیامبر (ص) درباره برخورد با کافران و مهلت دادن به آنان است، به معنای تأخیر زمانی، فرصت دادن، صبر کردن و عجله نکردن در هلاکت کافران تفسیر شده است (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۴/۱۸). این مهلت دادن، همراه با دستور به صبر و عدم عجله در مجازات است که نشان از رویکردی حکیمانه دارد. همچنین مؤلفه «عدم شتاب» به صراحت در سیاق آیات مشهود است.

برخی مفسران «مَهْلُهُمْ» و «أَمْهَلُهُمْ» را- به معنای تأخیر زمانی و فرصت دادن- مترادف تفسیر کرده‌اند (طبرسی، بی تا: ۷۱۶/۱۰؛ طوسی، بی تا: ۱۶۶/۱۰؛ قرطبی، ۱۴۱۳: ۲۲۶/۱۹). اما برخی دیگر «مهلت» را به دست برداشتن از کافران و «امهل» را به انتظار کشیدن برای عذاب آنان معنا کرده‌اند (شوکانی، ۱۴۱۴: ۵۱۱/۵). علامه طباطبایی هر دو را به یک معنا دانسته، اما تفاوت آنها را در این می‌داند که «امهل» (باب افعال) دلالت بر دفعی بودن دارد، در حالی که «تمهیل» (باب تفعیل) دلالت بر تدریجی بودن می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۶۱/۲۰).

در تحلیل معناشناختی «امهل» باید به چند تمایز مهم توجه کرد: تمایز با «املاء» که در آن «امهل» فاقد مؤلفه «استدراج و فریبندگی» بوده و بر عکس، همراه با رفق و مدارا است و تمایز صرفی که بر اساس نظر علامه طباطبایی، «امهل» (باب افعال) ممکن است دلالت بر دفعی بودن داشته باشد، در حالی که «تمهیل» (باب تفعیل) بر تدریجی بودن دلالت می‌کند.

بنابراین واژه «امهل» در شبکه معنایی تعویق و مهلت، نماینده «مهلت دادن همراه با رفق، مدارا و حکمت» است. این واژه در تقابل معنایی کامل با «املاء» قرار دارد که بر مهلت فریبنده و استدراجی دلالت می‌کند. «امهل» بیانگر سنت الهی در دادن فرصت برای بازگشت و توبه است، حتی برای کافران، که نشان از رحمت و وسع الهی دارد. ویژگی منحصر به فرد «امهل» در ترکیب مؤلفه‌های «مهلت، رفق و نفی عجله» است که آن را به واژه‌ای با بار معنایی مثبت و سازنده در شبکه معنایی تعویق تبدیل می‌کند. این واژه هم در ساحت تکوین (مهلت الهی) و هم در ساحت تشریح (دستور به مدارا) کاربرد دارد.

۳-۵ تحلیل معناشناختی واژه «تأخیر» در قرآن کریم

واژه «تأخیر» از ریشه «أخ-ر» مشتق شده که در مقابل «تقدیم» قرار دارد و به معنای پس انداختن، بعد آوردن و به تعویق انداختن است (ازهری، بی تا: ۵۵۶/۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۳: ۸۶/۱-۸۷؛ فیومی، ۱۴۰۵: ۸؛ فراهیدی، ۱۴۱۴: ۷۰/۱). این ریشه دارای یک معنای اصلی و محوری است که همان نقیض تقدم و اولویت می‌باشد. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۷۰/۱)؛ اهل لغت در توضیح این ماده به عبارت «بِعْتَهُ الشَّيْءُ بِأَخْرَةٍ» اشاره کرده‌اند که به معنای فروختن چیزی با تأخیر، با مهلت و به صورت نسیه است (ابن منظور، ۱۴۱۳: ۸۶/۱-۸۷).

در تحلیل بافت کاربردی، آیه ۷۷ سوره نساء «وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ» که سخن منافقانی است که با وجود دعوت به جهاد، بهانه‌تراشی کرده و درخواست به تأخیر انداختن حکم جهاد را دارند، به خوبی مؤلفه‌های معنایی «تأخیر» را نمایان می‌سازد. در این آیه، منافقان درخواست به تأخیر انداختن حکم جهاد را دارند. مفسران «أَخَّرْتَنَا» را به معنای درخواست مهلت و فرصت برای شرکت در جنگ و طلب تأخیر در جنگ دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۳۶/۱؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۷۲/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۳۶/۲). این درخواست، یک تعویق عمومی و بدون مشخص کردن ویژگی خاصی است.

با بررسی داده‌های لغوی و تفسیری، می‌توان مؤلفه‌های معنایی زیر را برای «تأخیر» برشمرد: مؤلفه «به تعویق انداختن» که هسته اصلی و مرکزی معنایی را تشکیل می‌دهد؛ مؤلفه «عام و فراگیر» که قابلیت اطلاق بر انواع تعویق‌ها را نشان می‌دهد؛ بعلاوه این واژه تاخیر فاقد جهت‌گیری مثبت یا منفی است. از این رو واژه «تأخیر» را می‌توان هسته مرکزی شبکه معنایی تعویق و مهلت در نظر گرفت. چون «تأخیر» عام‌ترین واژه در این شبکه است و سایر واژگان، گونه‌ها یا حالات خاصی از آن را بیان می‌کنند. دوم، بر خلاف دیگر واژگان این شبکه که دارای بار ارزشی مشخصی هستند (مانند «املاء» با بار منفی یا «امهل» با بار مثبت)، «تأخیر» فی نفسه خنثی است.

۳-۶ تحلیل معناشناختی واژه «رُؤید» در قرآن کریم

واژه «رُؤید» که از ریشه ثلاثی مجرد «ر-و-د» اشتقاق یافته، در بررسی‌های لغوی بر معنای اصلی «آمد و رفت در جهت واحد» دلالت دارد (ابن فارس، ج ۲، ص ۴۵۷-۴۵۸). این حرکت رفت و برگشتی، در تحلیل اهل لغت، به حالت اضطراب و عدم آرامش تعبیر شده و به تدریج به حوزه معنایی «مهلت دادن» و «تأخیر انداختن» راه یافته است (ازهری، بی تا: ۱۶۳/۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۳: ۵). اگر «رُؤید» برای وعید و تهدید به کار رود، به معنای تأخیر انداختن و مهلت دادن است. کاربرد این واژه در صور مختلف، از جمله صورت منصوب آن «رُؤیداً» که در قرآن کریم نیز به همین شکل آمده، بر معنای مهلت دادن و به تأخیر

انداختن دلالت صریح دارد (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۷۲۶/۱؛ جوهری، ۱۴۰۴: ۵۷۷/۲).

در منظومه معناشناسی قرآن کریم، واژه «رُؤید» تنها یک بار در آیه ۱۷ سوره طارق «فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُؤِيدًا» به کار رفته است. نقش نحوی «رُؤید» به صورت منصوب، بر جنبه نوع و کیفیت عمل تأکید دارد. مفسران در تحلیل این کاربرد، آن را به «مهلت دادن»، «انتظار»، «مدارا کردن» و «عجله نکردن» تفسیر نموده‌اند. (طوسی، بی تا: ۳۲۷/۱۰؛ قرطبی، ۱۴۱۳: ۴/۲۰؛ ثعالبی، ۱۴۱۷: ۲۲۷/۵). آنچه در این تفسیرها برجستگی ویژه دارد، تأکید بر جنبه «کوتاه‌مدت بودن» این تأخیر است، به گونه‌ای که «رُؤید» در این بافت، حالتی از تأخیر محدود و مقید را می‌رساند.

تحلیل بافت قرآنی این واژه نشان می‌دهد که «رُؤید» در سیاقی به کار رفته که از یک سو حاوی دستور به مهلت دادن است و از سوی دیگر، این مهلت را در چارچوبی محدود و مشخص تعریف می‌کند. هم‌نشینی این واژه با «إمهال» در آیه شریفه، بر آهستگی و طمانینه تأکید دارد، حال آنکه محدودیت ذاتی در معنای «رُؤید»، آن را از اطلاق عام «إمهال» متمایز می‌سازد.

بر پایه داده‌های لغوی و تفسیری، می‌توان مؤلفه‌های معنایی زیر را برای این واژه برشمرد:

مهلت کوتاه‌مدت که هسته مرکزی معنای واژه را تشکیل می‌دهد؛ آهستگی و طمانینه که بر کیفیت عدم شتابزدگی در عمل دلالت دارد؛ تدریج که از ریشه واژه و مفهوم «آمد و رفت» استنباط می‌شود و محدودیت زمانی که بر مشخص بودن دامنه زمانی این تأخیر تأکید می‌ورزد.

بنابراین در شبکه معنایی واژگان تعویق و مهلت، «رُؤید» نمایانگر مهلت کوتاه و حساب شده است. این واژه در تقابل معنایی با «إملاء» قرار می‌گیرد که بر مهلت طولانی و استدراجی دلالت دارد. همچنین «رُؤید» با «إمهال» که معنای عام‌تری از مهلت دادن را در بر دارد، در رابطه عموم و خصوص من وجه قرار می‌گیرد. وجه تمایز «رُؤید» در تأکید همزمان بر «کمیت زمان» (کوتاهی مدت) و «کیفیت عمل» (آهستگی و تدریج) است. دقت معناشناختی این واژه در ترسیم سنت الهی درباره دادن «فرصت نهایی» به گنهکاران، نشان از عمق معنا و ظرافت بیان در قرآن کریم دارد.

۳-۷ تحلیل معناشناختی واژه «نَسَأَ» در قرآن کریم

واژه «نَسَأَ» که از ریشه ثلاثی «ن-س-ء» اشتقاق یافته، در بررسی‌های لغوی از دلالت ذاتی بر «تأخیر انداختن» و «به عقب انداختن» برخوردار است. این ریشه با ریشه «ن-س-ی» که بر فراموشی دلالت دارد، در اصل معنایی مشترک است. وجه اشتراک این دو در مفهوم «ترک و واگذاری» نهفته است، به گونه‌ای که «نَسَأَ» به معنای ترک موقت و به تأخیر انداختن، و «نَسَى» به معنای ترک دائمی و فراموش کردن به کار رفته است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۲۱/۵-۴۲۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۰۴). «نَسَى» نیز به کاری که اعراب جاهلیت می‌کردند اشاره دارد که عبارت بود از تأخیر انداختن برخی ماه‌های حرام به ماه‌های دیگر (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۷۸۲/۳؛ ابن درید، ۱۴۲۶: ۴۲۳/۳؛ ازهری، بی تا: ۸۲/۱۳).

در منظومه معناشناسی قرآن کریم، واژه «نَسَأَ» و مشتقات آن در دو بافت کاملاً متمایز به کار رفته است. در آیه ۱۰۶ سوره بقره «مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِئُهَا»، برخی مفسران «نُنسِئُهَا» را از همین ریشه دانسته و به معنای تأخیر در نسخ یا به تعویق انداختن حکم آیه تفسیر نموده‌اند (طبری، ۱۴۱۵: ۳۸۰/۱؛ طوسی، بی تا: ۳۹۵/۱). اما بارزترین کاربرد این ریشه در آیه ۳۷ سوره توبه «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ» ظهور یافته که به «نَسَى» به عنوان یک اصطلاح در جاهلیت اشاره دارد، یعنی جابجایی و به تأخیر انداختن ماه‌های حرام (قرطبی، ۱۴۱۳: ۱۳۷/۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۷۱/۹).

تحلیل بافت‌های قرآنی این واژه نشان می‌دهد که «نَسَأَ» در سیاقی به کار رفته که بر جابجایی عمدی و قراردادی زمان‌بندی‌های مشخص تأکید دارد. این ویژگی، آن را از سایر واژگان شبکه معنایی تعویق متمایز می‌سازد.

۳-۸ تحلیل معناشناختی واژه «نَظَرَ» در قرآن کریم

واژه «نَظَرَ» که از ریشه ثلاثی مجرد «ن-ظ-ر» اشتقاق یافته، در بررسی‌های لغوی از دلالت ذاتی بر «تأمل و اندیشه در یک شیء» و «معاینه کردن» برخوردار است. این معنای پایه، در تمامی مشتقات این ریشه حفظ شده است. برخی از اهل لغت «نَظَرَ»

و «انْتَظَرَ» را به یک معنا گرفته اند: «نَظَرْتُ فُلَانًا وَانْتَظَرْتُهُ» (به او فرصت و مهلت دادم). (جوهری، ۱۴۰۴: ۸۳۰/۲-۸۳۱) کاربرد این واژه در حوزه «انتظار» و «مهلت» از باب ملازمه عقلی است، چرا که تأمل و اندیشه در امور، لزوماً مستلزم صرف زمان و به تبع آن، انتظار و مهلت است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۴۴/۵؛ فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۸۰۹/۳). برخی نیز «نظر» را به معنای انتظار کشیدن، تأخیر انداختن، مهلت دادن یا به معنای «إنساء» (به عقب انداختن) دانسته‌اند. (فیومی، ۱۴۰۵: ۶۱۲؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۵۳۹/۷-۵۴۰).

در منظومه معناشناسی قرآن کریم، واژه «نظر» و مشتقات آن در بافت‌های متعددی به کار رفته است. در آیه ۱۶۲ سوره بقره «لَا يُخَفُّ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ»، «يُنْظَرُونَ» به معنای مهلت داده شدن و فرصت گرفتن تفسیر شده است. در آیه ۲۸۰ همین سوره «فَنَظَرْتُ إِلَى مَيْسَرَةٍ»، «نَظَرْتُ» به معنای انتظار، مهلت دادن و به تأخیر انداختن طلب آمده است. همچنین در آیه ۱۴ سوره اعراف «قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»، درخواست ابلیس برای مهلت گرفتن با همین ریشه بیان شده است (طوسی، بی تا: ۵۲/۲ و ۳۶۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۱۰/۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۳؛ آلوسی، ۱۴۱۷: ۸۷/۳).

بر پایه داده‌های لغوی و تفسیری، می‌توان مؤلفه‌های معنایی تأمل و اندیشه که هسته مرکزی معنای واژه را تشکیل می‌دهد؛ انتظار که از لازمه‌های تأمل و دقت به شمار می‌رود؛ امیدواری که در برخی بافت‌ها به انتظار جهت می‌بخشد و مهلت دادن که از باب ملازمه با تأمل حاصل می‌شود را برای این واژه برشمرد.

تحلیل بافت‌های قرآنی این واژه نشان می‌دهد که «نظر» در سیاق‌های مختلفی به کار رفته که همگی بر عنصر «تأمل و دقت» به عنوان پایه معنایی مشترک تأکید دارند. این ویژگی، آن را از سایر واژگان شبکه معنایی تعویق که فاقد این مؤلفه هستند، متمایز می‌سازد. این واژه در تقابل معنایی با «ارتقاب» قرار می‌گیرد که بر انتظار همراه با اضطراب و مراقبت دلالت دارد، در حالی که «نظر» بر انتظار همراه با تأمل و امیدواری تأکید می‌ورزد. همچنین «نظر» با «إمهال» در مؤلفه «مدارا» اشتراک دارد، اما از آنجا که «إمهال» فاقد مؤلفه «تأمل و اندیشه» است، تمایز معنایی خود را حفظ می‌کند.

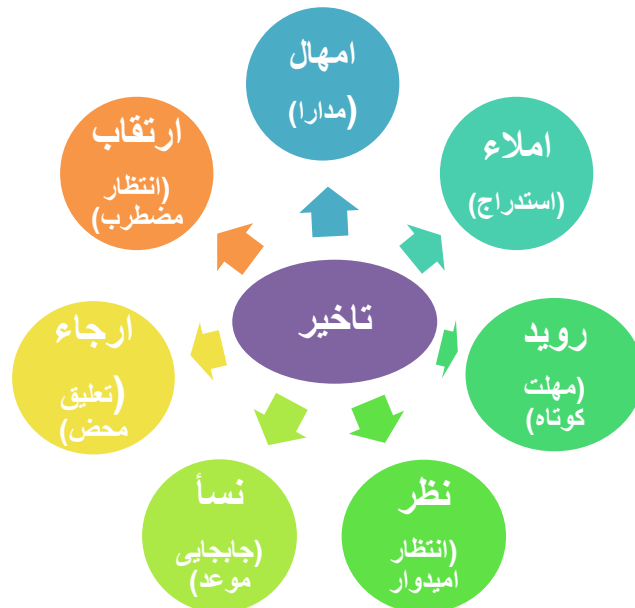
۴- ترسیم شبکه معنایی و روابط واژگانی

با توجه به معناشناسی لغوی و تفسیری واژگان فوق، روشن گردید که تمامی این واژگان بر معنای «تأخیر» و «مهلت دادن» دلالت می‌کنند؛ اما تفاوت‌های ظریفی نیز دارند.

واژه «تأخیر» به عنوان پایه و اساس معناشناختی شبکه تعویق و مهلت عمل می‌کند. زیرا عام‌ترین واژه در این شبکه است و سایر واژگان، گونه‌ها یا حالات خاصی از آن را بیان می‌کنند. علاوه بر آن بر خلاف دیگر واژگان این شبکه که دارای بار ارزشی مشخصی هستند -مانند «إملاء» با بار منفی یا «إمهال» با بار مثبت-، «تأخیر» فی نفسه خنثی است.

ارتقاب علاوه بر تأخیر، بر انتظار همراه با مراقبت و نگهبانی دلالت دارد و گاهی برای بیان تهدید به کار می‌رود. إرجاء: صرفاً برای بیان تأخیر است و گاهی برای ایجاد طمع و امید نیز به کار می‌رود. إملاء: بر تأخیر طولانی مدت با ویژگی استدرج و فریبندگی دلالت دارد و غالباً همراه با توسعه و بهره‌مندی از نعمت و رفاه است. إمهال به معنای مهلت دادن و تأخیر زمانی است که می‌تواند کوتاه یا طولانی باشد و همراه با رفق، مدارا و احترام است. روید بر تأخیر و مهلت کوتاه مدت دلالت می‌کند و کاربرد قرآنی آن همراه با تهدید است. نَسَأُ: بر تأخیر در امور مقرر و مشخص و زمان‌بندی شده است. نظر که معنای اصلی آن «تأمل و دقت» است و دلالت آن بر «تأخیر» از باب لازمه معنایی آن (انتظار) است. این واژه بر مهلت دادن همراه با انتظار کشیدن دلالت می‌کند.

بنابراین واژه تأخیر با داشتن مؤلفه‌های تعویق، عمومیت و خنثی بودن، چارچوب کلی مفهوم را تشکیل می‌دهد و دیگر واژگان با افزودن مؤلفه‌های تخصصی‌تر، ابعاد مختلف این مفهوم کلان را تبیین می‌کنند. از این رو در ترسیم شبکه معنایی واژگان «تعویق و مهلت» در قرآن، «تأخیر» به عنوان کلیدی‌ترین واژه این شبکه عمل کرده و دیگر واژگان پیرامون آن سازمان یافته‌اند.



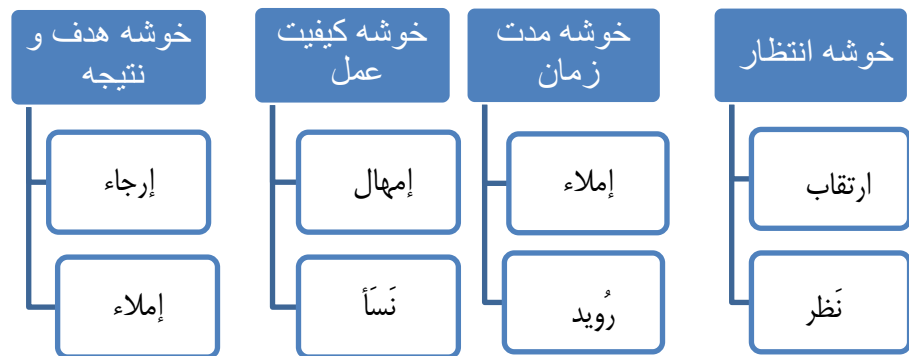
شبکه معنایی ارائه‌شده گویای ساختاری منسجم و سلسله‌مراتبی در بیان مفهوم «تعویق و مهلت» در قرآن کریم است. واژه «تأخیر» به عنوان هسته اصلی و عام در مرکز شبکه دلالت بر مفهومی پایه‌ای و خنثی از به تعویق انداختن دارد.

شبکه حاضر از چهار خوشه معنایی متمایز تشکیل شده که هر یک به بخشی از ابعاد این مفهوم می‌پردازند. خوشه انتظار با دو واژه «ارتقَاب» و «نظر» حالات مختلف انتظار کشیدن را پوشش می‌دهد. در این میان، «ارتقَاب» بر انتظاری همراه با دلهره و مراقبت دلالت دارد، در حالی که «نظر» بیانگر انتظاری مبتنی بر تأمل و امیدواری است.

خوشه زمانی با دو واژه «رُوید» و «إملاء» به بعد کمی مهلت می‌پردازد. «رُوید» بر مهلت کوتاه‌مدت و فشرده تأکید دارد، در مقابل «إملاء» که بیانگر مهلتی طولانی و درازمدت است. این تقابل زمانی، یکی از بارزترین ویژگی‌های شبکه حاضر محسوب می‌شود.

خوشه کیفیتی با واژگان «إمهال» و «نَسَأ» به چگونگی و کیفیت اعطای مهلت توجه دارد. «إمهال» بر مهلت دادن همراه با رفق و مدارا دلالت می‌کند، در حالی که «نَسَأ» به جابجایی عمدی مواعد مشخص اشاره دارد.

خوشه هدف و نتیجه با دو واژه «إرجاء» و «إملاء»، به ابعاد غایت‌شناختی و پیامدهای مفهوم تعویق در قرآن کریم می‌پردازد. این خوشه برخلاف دیگر خوشه‌ها که بر کیفیت یا کمیت تعویق تمرکز دارند، به علل و نتایج نهفته در پشت عمل به تأخیر انداختن توجه دارد. إرجاء بیشتر بر تعلیق موقت و بلا تکلیفی تأکید دارد، در حالی که إملاء یک فرآیند استدراج تدریجی است که در آن مهلت طولانی و بهره‌مندی ظاهری، مقدمه‌ای برای عذابی سخت‌تر خواهد بود.



یکی از نقاط قوت این شبکه، وجود تقابل‌های معنایی نظام‌مند است. تقابل «إملاء» (مهلت فریبنده) که حاوی مفهوم استدراج است با «إمهال» که بر مهلت رحمانی دلالت دارد، و نیز تقابل «ارتقاب» که بیانگر انتظاری مضطربانه است با «نظر» که نماینده انتظاری امیدوارانه می‌باشد، از جمله این روابط به شمار می‌روند. تقابل «رُويد» (کوتاه) با «إملاء» (طولانی) از جمله این موارد است.

این ساختار منسجم نشان می‌دهد که قرآن کریم با دقتی کم‌نظیر، برای بیان ابعاد مختلف سنت الهی «تعویق و مهلت» از واژگانی استفاده کرده که هر یک با حفظ استقلال معنایی، در عین حال جزئی از یک کل منسجم را تشکیل می‌دهند.

۵- نتیجه‌گیری

این پژوهش با تلفیق داده‌های لغوی سنتی و تفسیری با روش‌شناسی معناشناسی ساختگرا، با هدف تحلیل شبکه معنایی واژگان «تعویق و مهلت» در قرآن کریم و از طریق بررسی نظام‌مند هشت واژه کلیدی (ارتقاب، إرجاء، إملاء، إمهال، تأخیر، رُويد، نَسأ و نَظر) به یافته‌های قابل توجهی دست یافت. نتایج پژوهش نشان داد که:

۱- واژه «ارتقاب» نماینده انتظار فعال، همراه با مراقبت و دلهره است. واژه «إرجاء» نماینده تعویق و به تعلیق درآوردن عمدی یک امر است. «إملاء» به معنی مهلت طولانی، بهره‌مندی ظاهری و استدراج و واژه «إمهال» نماینده مهلت دادن همراه با رفق، مدارا و حکمت است. «تأخیر» به معنای به تعویق انداختن، عام و فراگیر بوده قابلیت اطلاق بر انواع تعویق‌ها را نشان می‌دهد. «رُويد» نمایانگر مهلت کوتاه و حساب شده است. «نَسأ» دلالت ذاتی بر تأخیر انداختن و به عقب انداختن و «نَظر» بر عنصر «أمل و دقت تأکید دارد.

۲- این واژگان نه تنها به صورت پراکنده، بلکه در قالب یک شبکه معنایی منسجم با ساختاری سلسله‌مراتبی سازمان یافته‌اند. در این شبکه، «تأخیر» به عنوان هسته مرکزی و عام‌ترین مفهوم شناسایی شد و سایر واژگان، هر یک با افزودن مؤلفه‌های معنایی تخصصی‌تر، به تبیین ابعاد مختلف این مفهوم پرداخته‌اند

۳- این واژگان را می‌توان در چارچوب خوشه‌های معنایی نوینی شامل «حوزه انتظار»، «حوزه گستره زمانی»، «حوزه چگونگی عمل» و «حوزه غایت و پیامد» دسته‌بندی کرد.

۴- تقابل‌های دوگانه‌ای همچون تقابل «إملاء» با «رُويد» یا «ارتقاب» با «نَظر»، کلید فهم تمایزهای معنایی بین این واژگان است.

۵- نتیجه نهایی این که گزینش واژگان در قرآن کریم، کاملاً حساب شده و مبتنی بر نظامی دقیق از معناست. شناخت این ظرافت‌های معنایی نه تنها بر غنای درک ما از قرآن می‌افزاید، بلکه جلوه‌ای از اعجاز بیانی این کتاب آسمانی را به نمایش می‌گذارد.

۶- کتابنامه

✽ قرآن کریم

- [۱] ابن جوزی، ابوالفرج جمال الدین؛ زاد المسیر؛ بیروت، مکتب اسلامی ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م.
- [۲] ابن درید، ابوبکر محمد بن حسن؛ **جمهره اللغه** تصحیح عادل عبدالرحمن بدری؛ چاپ اول مشهد بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۴۲۶ ق / ۱۳۸۴ م.
- [۳] ابن فارس، ابو حسین؛ **معجم مقاییس اللغه** قم مکتب الاعلام الاسلامی جمادی الاخره ۱۴۰۴ ق.
- [۴] ابن منظور، محمد بن مکرم؛ **لسان العرب**؛ تحقیق علی شیری؛ چاپ سوم، بیروت دار احیاء التراث العربی، مؤسسه تاریخ العربی، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م.
- [۵] ابن عاشور، محمدطاهر، **تفسیر التحریر و التنویر**، مؤسسه تاریخ العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
- [۶] ابو حیان غرناطی، محمد بن یوسف **البحر المحیط فی التفسیر**؛ چاپ اول، بیروت دار الفکر، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م.
- [۷] ازهری، محمد بن احمد: **تهذیب اللغه**. ازهری، ابو منصور محمد بن احمد؛ تهذیب اللغه؛ [بینا] [ابی تا].
- [۸] آلوسی، ابوالفضل شهاب الدین؛ **روح المعانی**؛ تصحیح محمد حسین عرب، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۷ م.
- [۹] باقری، مهری، **مقدمه ای بر زبان شناسی**. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۴ ش.
- [۱۰] پالم فرانک، **نگاهی تازه به معنی شناسی**، ترجمه کوروش صفوی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۴۶ ش.
- [۱۱] ثعالبی، عبدالرحمن: **الجواهر الحسان**. ثعالبی، ابو منصور؛ فقه اللغه؛ تحقیق فائز محمد؛ چاپ سوم بیروت: دار الكتاب العربی ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۶ م.
- [۱۲] ثعالبی، احمد بن محمد، **الکشف و البیان**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ ق .
- [۱۳] جوهری، اسماعیل بن حماد؛ **الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه**؛ چاپ سوم، بیروت: دار العلم، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م.
- [۱۴] راغب اصفهانی: **مفردات الفاظ القرآن**. راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ القرآن؛ چاپ اول دمشق و بیروت: دار القلم و الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م.
- [۱۵] زبیدی، مرتضی: **تاج العروس**. زبیدی، محب الدین تاج العروس تحقیق علی شیری؛ چاپ اول، بیروت: دار الفکر ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م.
- [۱۶] زمخشری، محمود بن عمر؛ **الکشاف**، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- [۱۷] زمخشری، محمود: **الکشاف**. زمخشری ابوالقاسم محمود بن عمر؛ اساس البلاغه تحقیق عبد الرحیم محمود [بینا] [ابی تا].
- [۱۸] سجستانی، ابوبکر؛ **غریب القرآن**؛ تحقیق محمد ادیب چاپ اول، قاهره دار قتیبه، ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۵ م.

- [۱۹] شوکانی، محمد، فتح القدير، دار ابن كثير، دمشق، چاپ: ۱، ۱۴۱۴ ق.
- [۲۰] صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، فرهنگ اسلامی، ایران - قم، ۱۴۰۶ ق.
- [۲۱] صفوی، کوروش، درآمدی بر معناشناسی. تهران: سوره مهر، ۱۳۹۷ ش.
- [۲۲] طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ ق.
- [۲۳] طبرسی، فضل بن حسن: مجمع البیان. مجمع البیان چاپ اول، بیروت دارالمعرفه، بی تا.
- [۲۴] طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، مرکز مدیریت، قم، ۱۴۱۲ ق.
- [۲۵] طبری، محمد بن جریر: جامع البیان. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م.
- [۲۶] طریحی، فخرالدین: مجمع البحرین. تحقیق سید احمد حسینی؛ تهران، بی تا.
- [۲۷] طوسی، محمد بن حسن: التبیان. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق احمد قصیر عاملی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی [بی تا].
- [۲۸] فخر رازی، محمد بن عمر: مفاتیح الغیب. فخرالدین رازی، محمد بن عمر؛ التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)؛ چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۲ م.
- [۲۹] فراء، یحیی بن زیاد: معانی القرآن. فراء، ابوزکریا؛ معانی القرآن؛ تحقیق احمد یوسف نجاتی و محمد علی نجار؛ [بینا] و [ابی تا].
- [۳۰] فراهیدی، خلیل بن احمد: کتاب العین. فراهیدی خلیل بن احمد العین تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای و تصحیح اسعد طیب؛ قم: انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ ق.
- [۳۱] فیومی، احمد بن محمد: المصباح المنیر. فیومی، احمد بن محمد المصباح المنیر؛ چاپ اول، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۵ ق.
- [۳۲] قرطبی، محمد بن احمد: الجامع لأحكام القرآن. قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد الجامع لأحكام القرآن؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م.
- [۳۳] مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، دار محبی الحسین، تهران، چاپ: ۱، ۱۴۱۹ ق.
- [۳۴] مصطفوی، حسن: التحقیق فی کلمات القرآن. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن چاپ اول تهران وزارت فرهنگ و ارشاد سازمان چاپ و انتشارات ۱۳۷۴ ش.
- [۳۵] مطرزی، ناصر بن عبدالستیر: المغرب فی ترتیب المغرب. مطرزی، ابوالفتح ناصر بن عبدالستیر؛ المغرب فی ترتیب المغرب؛ بیروت: دار الکتب العربی، [بی تا].
- [۳۶] نیشابوری، حسن بن محمد: غرائب القرآن. نیشابوری نظام الدین حسن بن محمد؛ تفسیر غرائب القرآن؛ تخريج زکریا عمیرات؛ چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۶ م.